

تلاقی تاریخ نگاری و نو تاریخ گرایی ، تأثیر متقابل تاریخ و ادبیات : چرخش دیالکتیکی قدرت – دانش فوکویی در شعر  
"زمانی در رم " اثر ماری ایونز

### چکیده

پل میشل فوکو ( 1926- 1984)، جامعه شناس و فیلسوف برجسته فرانسوی در اواخر قرن بیستم، در اثری مشهور با عنوان قدرت و دانش : مصاحبه‌های منتخب و نوشته‌های دیگر (1980) تئوری بحث برانگیزی را مطرح کرد و در آن به جابجایی دانش و قدرت و اهمیت بررسی آن اشاره نمود. در مدل پیشنهادی فوکو قدرت در واقع چرخش نا آشکارا و فراگیر دانش مابین طرف‌های گفتگومانی است. از سویی، هیدن وایت ( 1928- 2018) در بررسی رخدادها تاکید بر تفحص در علل و عوامل رویدادها دارد چرا که تاریخ فرا تر از ثبت خطی اتفاقات است. در این مقاله، نشان داده می شود که چگونه تلاقی و تعمق در روابط علت – معلولی از دیدگاه تاریخ نگاری به تفویض قدرت- دانش فوکویی معنا می‌بخشد. همچنین حرکت دیالکتیکی قدرت- دانش فوکویی در شعر "زمانی در رم" اثری از شاعر آفریقایی-آمریکایی، ماری ایونز (1919- 2017) بازنمایی خواهد شد. در نظریه فوکو قدرت حرکت سلسله مراتبی نداشته بلکه از طریق رد و بدل شدن دانسته‌ها در جامعه به گردش در می آید بر خلاف باور عام، زیر دست با ابراز ایستایی یا مقاومت نشان می‌دهد که موقعیت برتر لزوما در دست زیر دست نیست بلکه از آن طرفی است که از دانش بیشتر و کافی بهره مند است. پژوهش حاضر با بهره گیری از روش تحلیلی- توصیفی مرجعیت تسهیل گردآوری اطلاعات و آرایه ادله را فراهم نموده است.

واژگان کلیدی: ایستایی، دانش/ قدرت، دیالکتیک، ماری ایونز، میشل فوکو، هیدن وایت

## 1. مقدمه :

پل میشل فوکو<sup>1</sup> (1926-1984)، منتقد ادبی فرانسوی، برای نخستین بار نظریه‌ای مبنی بر رابطه‌ی چرخشی قدرت - دانش و تکیه‌ی آن بر عوامل دخیل و شرایط رخدادها مطرح نمود. او در سال 1980 با ارائه پیشنهادات جدید در مورد رابطه بین دانش - قدرت<sup>2</sup> موجبات به چالش کشیده شدن دیدگاه سنتی نسبت به دیالکتیک موجود بین آن دو را فراهم ساخت. علاوه بر این، فوکو سئوالات کلیدی در مورد تفویض و جابجایی قدرت را مطرح کرد. او معتقد است "قدرت هنگامی قابل فهم است که در رابطه نزدیک با دانش در نظر گرفته شود زیرا " اعمال قدرت " فقط در صورتی میسر است که متجانس با دانش باشد. دانش می‌تواند در روابط مربوط به قدرت دخالت کرده و منجر به تولید آن گردد" ( *Power/Knowledge*; )  
52 *Selected Interviews and Other Writings*). علاوه بر این قدرت عملکردی مولد دارد و در شبکه‌ای زیبا و فعال که در تمام جامعه جاری است در گردش می‌باشد. تاکید فوکو بر این است که تمامی افراد در همه سطوح جامعه، در حالی که شبکه‌ای فعال از قدرت را تشکیل می‌دهند، در چرخش قدرت سهیمند. قدرت و چرخش دیالکتیکی<sup>3</sup> آن، که نتیجه تضادهای مداوم است، در بین تمامی عواملی درگیر در حرکت است تا موقعیت اجتماعی افراد را باز تعریف کرده و گفتمانی را بوجود آورند. شایان ذکر است که روابطی که بر پایه قدرت بنا شده‌اند لاجرم درگیر "سلطه"<sup>4</sup> و "مقاومت"<sup>5</sup> می‌باشند. نکته دیگر این که، دانش در عین نزدیکی به قدرت از آن گسسته است، چراکه قدرت پیوسته در حال شکل دهی اشکال جدیدی از دانش می‌باشد.

هیدن وایت<sup>6</sup> (1928 – 2018)، مورخ آمریکایی، آثار متعددی در زمینه‌ی تاریخ نگاری از خود به جا گذاشته است. او در کار برجسته‌ی خود با عنوان *فراتاریخ: تصور تاریخی در اروپای قرن نوزدهم*<sup>7</sup> (1973) تعریف واکاوانه‌ای از تاریخ ارائه می‌دهد. او بیان میکند که تاریخ به معنای ثبت خطی وقایع نمی‌باشد بلکه در قالب چارچوبی تعریف شده که دیدگاهی را باز میکند میتوان وقایع را مورد بازبینی قرار داد. در روش او، یافتن علل رخدادها و واکنش آن بر معلولها

<sup>1</sup>Paul-Michel Foucault (1926-1984)

<sup>2</sup>Power and Knowledge

<sup>3</sup>Dialectical Circulation

<sup>4</sup>Dominance

<sup>5</sup>Resistance

<sup>6</sup>Hayden White

*Methistory: The Historical Imagination in Nineteenth Century Europe*

از اهمیت برخوردار است. تاثیر دیالکتیکی عوامل بر هم در پدیداری رویدادها مهم اند، لذا در بازنگری روابط مابین زیر دست- زبر دست باید نسبت به عناصری که سبب پیدایش قدرت و سلطه ی طرفین میشود آگاهی کسب کرد. به عقیده ی او ادبیات دیدگاهی نوین بسوی بازنمایی حقایق تاریخی باز می کند، چرا که ادبیات و تاریخ پیوستگی متجانسی دارند.

ماری ایونز<sup>1</sup> (1919-2017)، شاعر معاصر آفریقایی-آمریکایی است که با تخصص منحصر به فرد خود در به کارگیری زبان انگلیسی، هنر خود را در طیف وسیعی از موضوعات به نمایش گذاشته است، تا بدین گونه تعهدات خود را به غنی سازی میراث فرهنگی سیاه نشان دهد. از آنجائیکه او یک فمینیست فعال است و عنایتی ویژه به "شعر سیاه"<sup>2</sup> دارد، اشعار او غالباً مرزهای مقاومت را درنور دیده و با فراتر رفتن از آن خاص می شود. رابرت داگلاس<sup>3</sup> (1934-2023)، استاد برجسته دانشگاه لویزویل، نیز در کتاب برجسته خود با عنوان *مقاومت، شورش و هویت: هنر ماری ایونز، نلسون استیونز و جنبش هنرهای سیاه*<sup>4</sup> (2008)، بر این باور است که "قالب اشعار ایونز همانقدر که از نگرانی هایش برای هم نژادان او نشأت می گیرد، برخاسته از محیط اجتماعی است که در آن زندگی می کند، لذا هر دو این موارد در برگزیده محتوی اشعار او می باشد" (98). ایونز مانند سایر اعضای "جنبش هنر سیاه"<sup>5</sup> خود را متعهد می داند تا فریاد افرادی باشد که هیچگاه صدای آنها شنیده نشده، نمی شود و شاید هم نخواهد شد. او نشان می دهد که چگونه زبر دستان سفید پوست، با تصاحب قدرت، تسلط بر سیاست و مسایل اجتماعی-فرهنگی، صاحب قدرت شده و اقلیت سیاه پوستان را به حاشیه می رانند.

"زمانی در رم"<sup>6</sup> شعری برگزیده از مجموعه "من زنی سیاه هستم"<sup>7</sup> (1970)، می باشد که در ظاهر گفتگویی است یک طرفه بین خانم صاحب خانه و خدمتکارش. ایونز با ترفندی زیرکانه خواننده "بینای تام"<sup>8</sup> را به تمامی افکار خدمتکار در پاسخ به گفته های صاحبکار خود واقف می سازد. رابرت داگلاس در بررسی شعر "زمانی در رم" ادعان می دارد که "دنیای محفظه ایی فانون"<sup>9</sup> که در آن فرد بومی از مستعمره چی، و مستکبر از مستضعف، یا برده دار از برده متمایز شده است در شعر ایونز و تصویرگری ادبی او از خانم خانه و خدمتکار او به صورتی برجسته و دلنشین بازنمایی شده است" (*Resistance Insurgence and Identity 142-143*). چرخش قدرت در شعر "زمانی در رم" کاملاً واضح و مشخص است. در این شعر، بانوی خانه در صدد به رخ کشیدن سخاوت خود می باشد تا برتری و زبر دست بودن خود را اثبات کند. این در حالی است که خدمتکار با مقاومتی که از خود نشان می دهد، در تلاش است تا از تحمیل قدرت بر خود شانه خالی کند و این امر در پاسخ های ذهنی او که خوانندگان هم از آن آگاهی دارند کاملاً مشهود است. آنچه توجه خواننده را به خود جلب می کند، این است که در دنیای مجلل سفید پوستان چیزهایی وجود دارند که کوچکترین ارزشی برای سیاه پوستان نداشته و

1Mari Evans (1919-2017)

2 Black Poetry

3Robert L Douglas (1934-2023)

4Resistance, Insurgence and Identity: The art of Mari Evans, Nelson Stevens and the Black Arts Movement (2008)

5 Black Arts Movement

6 "When in Rome"

7 *I Am a Black Woman* (1970)

8Omniscient Reader

9Fanon's Compartmental World

علت سیستم‌های ارزش‌گذاری است که کاملاً متمایزند. در شعر "زمانی در رم" زبان و لحن نیز به کمک شاعر آمده و همین امر دیدگاه فرد "سیاه" را در رویارویی با نمایش مغرورانه تاثیرات "هژمونیک"<sup>1</sup> قدرت به چالش می‌کشد.

مقاله حاضر به بررسی چرخش قدرت و رابطه آن با دانش در شعر "زمانی در رم" می‌پردازد. در این پژوهش ارکان قدرت مورد بررسی قرار خواهند گرفت، چرا که قدرت اولاً "زایا"<sup>2</sup>، ثانیاً "غیر-تملکی"<sup>3</sup> و ثالثاً در تمامی عرصه‌های روابط انسانی مشهود است. شعر مصداقی است از نفوذ ظریف قدرت در بین تمامی عوامل جامعه. مطالعه حاضر بر آن است تا با خوانشی نو تاریخ-نگارانه<sup>4</sup> از اثر ادبی به پرسش‌های مطرح شده در این رابطه پاسخ دهد. نخست آنکه رابطه تنگاتنگی که بین قدرت / دانش وجود دارد، چگونه موجبات گردش آن را در جامعه فراهم می‌آورد؟ پرسش دیگر آنکه آیا حرکت چرخشی قدرت سلسله مراتبی است و همواره در دست زبر دست می‌باشد؟ در نهایت، مقاومت در این بین چه نقشی ایفا می‌کند و آیا سکوت حاکی از مقاومت است؟ در ادامه پژوهشگران به معرفی پیشینه تحقیق می‌پردازند. از آنجائیکه خوانش شعر "زمانی در رم" تا کنون از این دیدگاه مورد بررسی قرار نگرفته است و این نخستین باری است که مطالعه‌ای در این زمینه صورت می‌گیرد، لذا در بخش پیشینه تحقیق، محققین به ذکر مطالعات محدودی که تاکنون صورت گرفته اکتفا می‌نمایند. پژوهشگران، در بخش چارچوب نظری، با ارائه مفاهیم کلیدی مربوطه، دیدگاهی نوین را به بررسی اثر می‌گشایند. تحقیق ذیل تلاشی است برای پرداختن به یکی از اساسی‌ترین روابط اجتماعی که ارتباط تنگاتنگ قدرت و دانش می‌باشد. در نهایت، در قسمت نتیجه‌گیری محققین به بررسی یافته‌های پژوهش همت می‌گمارند.

# Pre-print Version

---

<sup>1</sup> Hegemonic

<sup>2</sup> Productive

<sup>3</sup> Non-possessive

<sup>4</sup> New - Historographical

## 2. پیشینه تحقیق

نظراتی همچون رابطه قدرت و دانش از دیرباز مورد پژوهش و در صدر بررسی‌های اجتماعی - سیاسی بوده اند لیکن نام بردن از تمامی پژوهشگرانی که در این راستا قلم فرسایی کرده اند میسر نبوده و به چند اثر بسنده می‌شود. در مقاله "تسهیل فرآیند ادغام در فرهنگ میزبان در فرهنگ مهاجر به علت شکل‌گیری هویت التقاطی در رمان خروجی غرب اثر محسن حمید" (2024) به چگونگی و سازای نقشهای از پیش تعریف شده زیر دست-زیر دست که در روابط اجتماعی حاضر در کشورهای در حال توسعه هنوز هم دیده میشود، پرداخته است. کوین یانگ<sup>1</sup> در مقدمه کتاب خود با عنوان *هر صدایی را بلند کنید: دلیل اهمیت شعر آفریقایی-آمریکایی چیست؟*<sup>2</sup> (2020)، ضمن تاکید بر پویایی "شعر سیاه" ژانر فوق را مملو از "مفهوم و منظور" دانسته و آن را شایسته‌ی تجزیه و تحلیل منتقدانه می‌داند. در *اندیشه فمینیستی سیاه: آگاهی، دانش و سیاست توانمند سازی*<sup>3</sup> (2000)، اثر پاتریشیا هیل کالینز<sup>4</sup> شاهد شیوه‌ای فراگیر در بررسی شعر سیاه با در نظر گرفتن زبان ویژه آفریقایی-انگلیسی<sup>5</sup> هستیم. مقاله "مفهوم فوکو از قدرت/گفتمان دانش: تحلیل انتقادی" (2018)<sup>6</sup>، اثر شارما سند پپ کومار<sup>7</sup>، ضمن ارائه تحلیلی منتقدانه از نظریه فوکو رابطه آن را با تقابلهای موجود در جامعه به بحث می‌گذارد. در مقاله ای دیگر از نصر الله مامبرول (2016) فراگیر بودن رابطه ناگسستی قدرت و دانش در انواع جوامع و "سلسله مراتبی نبودن روابط" و تاثیرات آن به بحث گذاشته شده است.

در مقاله "نقد جاری بر شعر آفریقایی"<sup>8</sup> (2015)، لاری شیرر<sup>9</sup> ضمن تاکید بر اهمیت مطالعه "شعر سیاه"، معتقد است این ژانر ادبی می‌تواند دلیل تاریخی تداوم اعتراض سیاهپوستان در جهت ابراز آزادانه عقایدشان به شمار آید. کریستینا سلوانیا و سولستیو لای لیک<sup>10</sup> در مقاله مشترک خود با عنوان "قدرت سیاه در اشعار "هنوز بر می‌خیزم"، "زن فوق العاده" و "شکوه آخر هفته" از مایا آنجلو"<sup>11</sup> (2013)، با بررسی "قدرت سیاه"<sup>12</sup>، زندگی مشقت بار سیاهپوستان در تقابل با اصحاب قدرت را در آثار منظوم به تصویر می‌کشند. در "نه درون نه بیرون: ماری ایونز، زیبایی شناسی و قانون آن"<sup>13</sup> (2011)، کریستین ال متیوز<sup>14</sup> به بررسی نقاط قوت شعر ایونز می‌پردازد و دلایلی مبنی بر قرار گرفتن آثار ایونز در زمره "کارهای ماندگار"<sup>17</sup> ارائه می‌دهد. رابرت داگلاس در کتاب خود با عنوان *مقاومت، شورش و هویت: هنر ماری ایونز، نلسون استیونز و جنبش هنرهای سیاه* (2008)، با بررسی اشعار ماری ایونز، گستره تاثیر آن را

<sup>1</sup>Kevin Young

<sup>2</sup> Lift Every Voice: Why African American Poetry Matters? (2020)

<sup>3</sup>Black Feminist Thought: Knowledge Consciousness and the Politics of Empowerment (2000)

<sup>4</sup>Patricia Hill Collins

<sup>5</sup>Vernacular Speech

<sup>6</sup>Sandeep Sharma Kumar

<sup>7</sup> "Michel Foucault's Concept of Power/ Knowledge Discourse: A Critical Analysis" (2018)

<sup>8</sup>"Current Criticism on African Poetry" (2015)

<sup>9</sup>Lauri Scheyer

<sup>10</sup>Krisnasilvania and Soelistyo Liliek

<sup>11</sup> "Black Power in Maya Angelou's "Still I Rise", "Phenomenal Woman", and "Weekend Glory"" (2013)

<sup>12</sup> Black Power

<sup>13</sup>"Neither Inside Nor outside: Mari Evan's the Black Aesthetics and the Canon" (2011)

<sup>14</sup> Kristin L. Matthews

بر تثبیت "ارزشهای سیاه"<sup>1</sup> به نمایش می‌گذارد. شهرام ولیدی و کیان سهیل در مقاله‌ای مشترک با عنوان "وابستگی متقابل قدرت و استعاره: رویکردی فوکویی-دریادایی"<sup>2</sup> (2011)، قدرت و دانش فوکو را هم‌اورد معرفی می‌کنند چرا که از نظر آنها دانش سبب به وجود آمدن قدرت و به نوبه خود قدرت، دانش را می‌آفریند.

### 3. چهارچوب نظری پژوهش: بررسی مفاهیم کلیدی میشل فوکو

فوکو در نظریه قدرت/دانش خود بر چند نکته اساسی تاکید دارد. نخست آنکه قدرت و دانش، هر دو از ارکان لاینفک در زندگی افراد می‌باشند و در شیوه هدایت رفتارهای اجتماعی و برقراری روابط نقش برجسته ای دارند. هنگامیکه فوکو از قدرت سخن می‌گوید در واقع لزوم رکنی حیاتی را گوشزد می‌نماید که رابطه نزدیکی با دانش دارد. از سوی دیگر رابطه تنگاتنگ مابین قدرت و دانش دو سویه است چرا که دانش خود وجهی از قدرت است که پتانسیل باز تولید قدرت را دارد. فوکو با بکار بردن علامت جداوله به جای خط تیره در نوشتار خود نشان می‌دهد که دانش و قدرت در نظریه او نه تنها دو عنصر متفاوت نیستند بلکه می‌توانند در یک جایگزینی به جای یکدیگر ظاهر شوند. همچنین فوکو تاکید دارد که دانش هرگز نباید به عنوان عنصری خنثی تلقی شود چرا که در رابطه قدرت/دانش عاملی تعیین کننده است. به عقیده ی او، هیچکدام از اعضای جامعه قدرت صرف را در تملک مطلق خود ندارند بلکه قصد بر به کارگیری آن است. قدرت هرگز در یک جا متمرکز نبوده و در تملک صرف کسی قرار نمی‌گیرد. در اثر قدرت/دانش، فوکو اعلام می‌کند که "هیچ قدرتی بدون هدف و سر انجام وجود ندارد. این بدان معنا نیست که این امر ناشی از قدرت انتخاب و یا تصمیم‌گیری فرد است... عقلانیت قدرت با ترفندهایی محدود شده مبرهن است، آن هم در جایی که تاکتیکهای نقش بسته به هم ربط پیدا می‌کنند." (*Selected Interviews and Other Writings 95 Power/Knowledge*). بر خلاف نظر عام، قدرت وسیله ای برای اعمال سرکوب نیست بلکه ابزاری برای بروز حقایق در روابط می‌باشد. پیوند میان قدرت و دانش عاملی است که طی آن یکی در تلاش رصد دیگری می‌باشد و بدین ترتیب بیننده از رویت افراد و عملکردشان نسبت به قدرت آگاه می‌گردد. در یک گفت‌وگو فراگیر، به باور عام، قدرت همواره در طرف قوی مدار قرار دارد و در تلاش به استضعاف کشیدن است. این اصل در نظریه فوکو کاملاً رد می‌شود، چرا که به عقیده ی او قدرت به صورت سیال در جامعه در حال گردش است. لازم به ذکر است که در تئوری فوکو، قدرت هرگز به صورت عبث به کار گرفته نمی‌شود و مقاومت نیز بخش لاینفک قدرت/دانش است. طبق نظر فوکو "هرجا قدرت باشد مقاومت نیز ناگزیر وجود دارد" (فوکو 1976: 18)

نظریات هیدن وایت نیز که بر ملاحظه وقایع با توجه به روابط علت-معلولی تاکید دارد، افقی جدید برای تجزیه و تحلیل اثر منتخب می‌گستراند. طبق نظر او، عوامل موثر در رخداد وقایع، با ایجاد تضاد، موجب حرکت دیالکتیکی میشوند. در شعر ایونز تفاوت موجود مابین سطح دانش زبر دست و زیر دست به پیدایش این تضاد دامن می‌زند. آنچه از دیدگاه او اهمیت دارد نه خود کشاکش میان طرفین مجادله است بلکه علل زمینه ای به وجود آمدن کشمکش در اثر است که اهمیت دارد. باید بررسی شود که چرا به طور پیش فرض، در تاریخ بشری، زبر دست صاحب دانش فرض میشود و از این لحاظ برای زیر دست تصویری در ذهن متبادر نمیشود.

<sup>1</sup>Black Values

<sup>2</sup>Shahram Vali and Kian Soheil

مقاله حاضر به بررسی چهار نکته کلیدی می پردازد که در آن پژوهشگران با بکارگیری نظریه قدرت/دانش، شعر "زمانی در رم" را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهند. تحلیل شعر می نماید که چگونه قدرت، بدون دنبال کردن سیر خطی جهت اجتناب از نظام سلسله مراتبی شدن در گردش است. قدرت صرفاً نیروی فیزیکی نداشته بلکه بابه مندی از خصوصیتی دینامیکی، در تعیین نقش افراد، در یک گفتمان اجتماعی نقش دارد. از جمله موارد دیگری که در این پژوهش مورد بحث قرار می گیرد این است که چگونه قدرت بدون در نظر گرفتن این که افراد چه کاری را باید انجام دهند تعیین کننده آن است که افراد چه باید باشند. محققین اعلام می دارند که گفتمان اجتماعی حاکم بر جامعه ضمن اینکه دسته بندی های هویتی را تحت تاثیر قرار می دهد، نوعی تفاهم مابین اعضای جامعه در تحکیم روابطشان برقرار می سازد. در خاتمه نیز پژوهشگران خاطر نشان می کنند که چگونه قدرت و دانش در یک تجانس متشکل یکدیگر را همراهی کرده و در رابطه ی تنگاتنگ یکدیگر را تبعیین می نمایند. در حقیقت بدون دانش روابط قدرتی تحقق پیدا نمی کنند و قدرت بدون وجود مقاومت نه باز تولید می شود و نه می تواند ادامه پیدا کند. در نهایت، روشن می شود که در قالب یک چهار چوب تعریف شده، علت اصلی بروز کشاکش، تصاحب دانش است.

#### 4. بحث و بررسی شعر "زمانی در رم" اثر ماری ایونز شاعره آفریقایی-آمریکایی

"زمانی در رم"، در مجموعه اشعار ایونز با عنوان *من زنی سیاه هستم* (1970) چاپ شده است و مانند دیگر آثار او بیانگر تعهد به ارزشهای "هنر سیاه"<sup>1</sup> می باشد. ایونز در بسیاری از آثار خود، ضمن احیا انقلاب اجتماعی ایجاد شده در آگاهی سیاه پوستان، میراثی را برای نسلی از آفریقایی-آمریکایی ها به جا می گذارد و با عباراتی قوی، حفاقیق را آشکار میکند. گویی که شعر، بابه چالش کشیدن مفاهیم سنتی قدرت به عنوان نیروی سرکوبگر و منفی، جنبه پویاتری از آن را، در قالب زبانی یک گفتمان اجتماعی- فرهنگی ارائه می کند. در اثر ادبی، قدرت و دانش در یک رابطه ی در هم تنیده و جدایی ناپذیر در سراسر ابیات شعر منتشر می شوند. اولین نشانه ای که بیانگر رابطه تنگاتنگ قدرت و دانش است، در عنوان شعر قابل مشاهده می باشد. عنوان شعر قسمتی از ضرب المثلی است که برخورد و رفتار، مانند رومی ها را هنگام سفر به رم توصیه می نماید و معادل فارسی ثبت شده آن "خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو" می باشد. نقل شده است که در قرون وسطی، قدیسی مسیحی پیروان خود را نصیحت می کرد که هنگام اقامت در رم از سنتهای مردمان آن شهر تبعیت کنند و در روزهایی که آنها به روزهداری می پردازند آنان هم روزه بگیرند تا موجبات سو ظن و دشمنی با آنها فراهم نشود. با این کار زوار شهر رم در حاشیه امنی که "دانش"<sup>2</sup> انطباق برای آنها ایجاد کرده بود به سر برده و با آگاهی از هنجارهای آن اجتماع، در یک گفتمان اجتماعی-زیستی به قدرتی که در پی دانش و آگاهی می آید دست پیدا می کنند.

شعر "زمانی در رم" در واقع مکالمه ای است یک طرفه، چرا که خواننده یا "دانا کل"<sup>3</sup> متوجه می شود که گفتگو از سوی خانم آشکارا ادا شده و پاسخهای خدمتکار فقط ذهنی است، که داخل متن درون پرانتز مشخص شده اند. این موضوع که از ابتدا یکی از طرفین، اجازه و جرات اظهار نظر دارد و دیگری فقط زیر لب می تواند نظر خود را ابراز کند، نشان دهنده اختلاف طبقاتی حاکم در شعر می باشد. تعارف خانم خانه که سخاوتمندانه و با لحنی غرور آمیز ادا می شود در

<sup>1</sup>Black Art

<sup>2</sup>Knowledge

<sup>3</sup>Omniscient

واقع در برگیرنده دستوراتی است که همگی با فعل امری بیان می‌شوند. خانم خانه از موقعیت اجتماعی خود نسبت به خدمتکار آگاه است و این موضوع به او اعتماد به نفس خاصی داده است. در بخش دیگر، پاسخهای "متی"<sup>1</sup> محصور در پرائنتزها با غلطهای دستوری قرار دارد که بیانگر "زبان محاوره ای سیاهپوستان"<sup>2</sup> بوده، به صورت ناخود آگاه بازتاب دهنده ی دانش کم خدمتکار یا به صورت خود آگاه نوعی مبارزه ی فرهنگی با زبان غالب سفید محور را نشان می‌دهد و این امر دلالت بر موقعیت همزمان نازل تر اما حق جوی خدمتکار را بازنمایی میکند. نسبت به صاحب کار خود قرارداد. خانم از همان ابتدا با استفاده از عبارت "متی جون"<sup>3</sup> موقعیت خود را تثبیت می‌کند چرا که بکار بردن واژه "جون" از یکی از طرفین حاکی از رابطه زیر-زیر دست مابین آن دو می باشد. "ie" در انتهای نام خدمتکار است، که در لاتین پسوند مصغر ساز بوده و بر رابطه بالا-پایین دستی دو طرف صحنه میگذارد. عدم توازن در برخورداری از موقعیت اجتماعی به خودی خود جهت شروع دیالکتیک انتقال قدرت کافی است و توجه به آن در واقع قرار دادن اثر در چهارچوب تاریخ نگاری است. فرای شرایط سلسله مراتبی، که برای افراد در یک جامعه به وجود می‌آید، آنچه که قدرت را پایه گذاری می‌کند، شناخت افراد به " موجودیت فردی"<sup>4</sup> و هویت خود است. اگر چه خانم خانه، زیر دست و علی الظاهر صاحب قدرت و دانش معرفی می‌شود و خدمتکار زیر دست می باشد اما برخلاف انتظار در بزنگاه‌هایی خدمتکار گوی قدرت را ربوده و اوست که صاحب دانش انگاشته می‌شود.

از آغاز بند اول خانم جعبه‌ای مملو از خوراکی‌های مختلف را به خدمتکار تعارف می‌کند که کنایه‌ای از تمول بوده و بر خوانندگان دانای کل کاملاً معلوم است که تعارف او نه از سر گشاده دستی که از سر فخر فروشی است. سیر کردن خدمتکاران از وظایف محسوم است، چرا که به صورت پیش فرض قرار است که او به عنوان کارفرما از نیازهای جسمانی خادمین آگاهی داشته باشد. صاحب‌خانه با تعارف‌های بی معنا اما مکرر در واقع قصد به رخ کشیدن دانش خود را دارد. خدمتکار نگاهی به اقلام درون جعبه تعارفی می‌اندازد و در میان خوراکی‌ها فقط تخم مرغ پخته و قوطی سوپ را تشخیص می‌دهد و با کلماتی که درون پرائنتز بیان می‌شود و بیانگر ذهنیات اوست، غرو لند کنان می‌گوید «از گوشت خبری نیست» و خواننده به خوبی می‌داند که این ماده غذایی، انرژی لازم برای کار فیزیکی را تامین می‌کند. بر خلاف انتظار در انتهای بند اول، قدرت به دست خدمتکار می‌افتد چرا که او به خوبی به نیازهای تغذیه ای کارگران واقف است. جهل و نادانی خانم و آگاهی خدمتکار، قدرت را از سوی به سوی دیگر سوق می‌دهد. در بند دوم خانم سرمست از جاه و غرور به تعارف کردن ادامه می‌دهد. «آندیو و پنیر نرم هم هست» آندیو<sup>5</sup> از فرنیجات گران و غیر متداول است و پنیر نرم هم در دسترس همگان نیست. عدم آگاهی خانم در مورد تغذیه مناسب کارگران به هیچ وجه مانع از آن نمی‌شود که او به پیش کش‌های بی-معنی خود ادامه دهد. پاسخ ذهنی متی به تعارفات بی‌معنی صاحب‌خانه حاکی از آگاهی او و سوق پیدا کردن قدرت به سمت خودش است... «ای بابا من دلم لوبیا چشم بلبل می‌خواد». هوس خدمتکار نشان می‌دهد که او به نیازهای بدنی و تغذیه ای خود کاملاً واقف است و می‌داند که رژیم غذایی او باید شامل پروتئین باشد نه سبزیجات و یا پنیر خالی. تعارف بی معنا سویی از قدرت، و آگاهی از نیازهای غذایی، سوی دیگر این کشمکش قدرت است.

<sup>1</sup> Mattie

<sup>2</sup> Vernacular speech

<sup>3</sup> Mattie dear

<sup>4</sup> Individual existence

<sup>5</sup> endive



صاحبخانه در سومین بند شعر به پیشکشهای خود می افزاید " ساردین و از این جور چیزها در قفسه ها هست/ اما به آنچوبی ها دست نزنیه/ گر انند(آره حتما محاله به آنچوبیها دست بزنم/ با خودش چه فکری کرده/ انگار میخواد به جوجه غذا بده.) نمایش فخر فروشی ادامه دار است تا اینکه خدمتکار از دست زدن به گرانترین ماده غذایی بر حذر می شود. با این منع صاحب کار نشان می دهد که قدرت اجازه یا ممانعت در دست اوست. گویی او نمی داند که آنچوبی که نوعی ماهی کوچک است، به علت بوی تندی که دارد، فقط به عنوان یک طعم دهنده برای مزه دار کردن غذا استفاده می شود و هرگز نمی تواند به عنوان غذایی کامل و جهت سیر کردن شکم به حساب آید. بار دیگر جهالت و عدم آگاهی، قدرت را به چرخش در آورده از سلطه زبر دست خارج نموده و در دامان زیر دست می اندازد. واژه تاکیدی " واقعا که"<sup>1</sup> در ادامه حاکی از کلافگی و جان به لب شدن خدمتکار از این همه فخر فروشی و ادعای آگاهی بی مایه است. تظاهرهای خالی از معنای خانم تمامی ندارند و در آخرین بند شعر بیشتر هم می شود. « خیلی چیزها هست که تو را سیر کند ( آه خانم فقط ریخت اینا کافیه برام/ ای کاش زنده بمونم تا اینکه روزی به خونم برسم / از خوردن چیزهایی که توی رم میخورند خسته شدم». از ابتدا تا انتهای این کشاکش قدرت " مقاومت"<sup>2</sup> بخشی از روال گردش قدرت است. «یک رابطه انطباقی زمانی به نهایت خود می رسد که مکانیسمهای ثابت، جایگزین عملکرد آزاد و اکنشهای خصمانه شوند. از طریق این مکانیسمها فرد می تواند با قاطعیت رفتارهای دیگران را کنترل کند( فوکو 1980: 225). لذا هر فردی می تواند به صورت بالقوه دارای پتانسیل مقاومت باشد و در هر لحظه با ایفای نقشی که از او انتظار می رود چرخه قدرت را معیوب کرده و ساختار آن را متحمل هزینه نماید. در اثر ، با آرزوی آخر خدمتکار برای بازگشت به خانه یا موطن ، به این کشاکش پایان داده می شود. طبق نظر سارا میلز<sup>3</sup> افراد بازیچه دست قدرت نیستند بلکه در مرکز جایی قرار دارند که قدرت و مقاومت در آنجا اعمال می شود" ( *Michel Foucault 2003: 3*) خدمتکار از نادانی صاحب کارش به ستوه آمده است و مقاومتی که از جانب او به وجود می آید، بخش گسست ناپذیر رابطه قدرت/ دانش است.

در این بخش دو نکته شایان ذکر است. نخست این که ،نقش فشار را در شروع تقابل دیالکتیکی در گفتن اجتماع می توان انکار کرد. نکته دوم در مورد امر سکوت است. در مورد اول به گفته کالینز "حس اعمال قدرت که به منزله سو استفاده از آن است موردی پس قامض و بغرنج است زیرا نه اعمال قدرت و نه عدالت اجتماعی بدون حس ایجاد تغییر بدست نمی آید" ( *Black Feminist Thought: Knowledge Consciousness and the Politic of Empowerment 3* ). لذا زن صاحبکار سفید پوست هرگز در تحمیل فشار بر خدمتکار سیاهپوست فایق نمی آید چرا که زن سیاهپوست خدمتکار استادانه از تحمیل قدرت بر خودش شانه خالی کرده و نه مخفیانه بلکه آشکارا مقاومت می کنند. در تایید این امر می توان به یافته های جودی رولینز از تحقیقات میدانی در مقاله "بین زنان، خانوارها و کارفرمایانشان" (1985)، رجوع کرد. او در مصاحبه با کارگران زن سیاهپوست دریافت که " آنها از حس احترام به خویشتن و عزت نفس خاصی برخوردارند، حتی زمانی که به ایشان کارهای سطح پایین محول می شود. زنان سیاهپوست به خوبی از عهده این کارها بر می آیند و با مهارت فوق العاده خود قادرند تا حملات روانی به شخصیت ، بلوغ فکری و وقار خود را دفع کنند. این تلاشها

<sup>1</sup>indeed

<sup>2</sup>Resistance

<sup>3</sup>Sara Mills

به هیچ وجه آنها را در ورطه کارفرما و تعریف او از حقارت نمی‌ندازد" (212). در کشاکش مسیر زندگی، زن سیاه آموخته است که در خود آگاهی جایی برای افکار درونی و آرزوهایش باز کند تا تلافی بین انواع فشارها را بر خود خنثی نماید. برای روشن تر شدن مسئله سکوت، ماریتا بونز (1899-1971)، نویسنده و مقاله نویس برجسته آمریکایی، سکوت زن سیاه را به سکوت مجسمه های بودا تشبیه کرده است. این مجسمه ها، بودا را در حالی که مهر سکوت بر لب دارد و در ژرفای اندیشه فرو رفته است نشان می‌دهند. سکوت نمای بیرونی مقاومتی است که در برابر یک قدرت تحکیم آمیز بیرونی شکل گرفته است. برای زن کارگر سکوت به منزله سلاحی است که به وسیله ی آن به نافرمانی و شکستن چهار چوب تحمیل شده از آن استفاده می‌کند و اصلا مهم نیست که او چه مسولیتی را به عهده دارد: مامی، مادر سالار، مادری مدرسان، قاطری سخت کوش، یا زنی منحرف (Collins, *Black Feminist Thought: Knowledge* 99 *Consciousness and the Politics of Empowerment*). توان زن سیاهپوست معطوف به باز تولید آگاهی از درون می‌شود و این دقیقا ناشی از تقلای اوست تا بازتابهای کنترل گر را به آگاهی، که گویی بخشی از وجود اوست، بدل کند. او با این کار ضمن شکستن مرز مابین قدرت و آگاهی، نشان می‌دهد که در رابطه دو سویه، یکی دیگری را موجب و سبب می‌شود.

## 5. نتیجه گیری

میشل فوکو (1926-1984)، از نظریه پردازان برجسته ای است که با بینش درخشان خود قدرت و رابطه ی آن را با دانش و گستردگی آن دو را در جامعه به بحث می‌گذارد. او معتقد است بین قدرت و دانش رابطه‌ای در هم تنیده حاکم است که در سطوح مختلف جامعه قابل رویت می‌باشد. طبق نظریه فوکو "قدرت را باید به مثابه جریانی سیال و در حال باز زایی و نو شدن در نظر گرفت که همواره ساری و جاری است.. قدرت می‌تواند تنها در گسوت یک سازمان شبکه مانند به منصفه ی ظهور رسیده و بروز کند. هر فردی به مثابه ی حلقه ای است که بخشی از سازو کارهای قدرت را عهده دار است و در تحقق آن نقش ایفا می‌کند. افراد ابزار قدرت هستند نه نقاط کاربرد آن" (*Power/Knowledge: Selected Interviews* 98 *and Other Writings*). بنابراین، واضح است که روابط ناشی از قدرت و از نظر تاریخی حاکم بر طبقات اجتماعی مابین چیره- فرو دست قابل جابجایی و تغییر است. بر خلاف باور عام، قدرت و تسلط بر آن امری ثابت نبوده و با دستیابی به دانش میتوان آن را در جامعه به گردش در آورد.. به عبارت دیگر قدرت در یک رابطه ی تنگاتنگ با دانش طی چرخشی دیالکتیکی از آن طرفی میشود که دانسته های بیشتر و دقیق تری دارد.

ایونز که به اندیشه و ارزشهای زیبا شناختی ادبیات سیاه متعهد است، در شعر " زمانی در رم" استادانه گردش قدرت و رابطه آن را با دانش به تصویر میکشد. اثر اونه تنها نظریه فوکو بلکه فرعیات آن را در قالب محاوره ای روزمره ارائه میکند. در این شعر، اصول سه گانه قدرت فوکو نمایش داده می‌شوند که عبارتند از: 1. قدرت بر خلاف انتظار تاریخی همواره از آن زبر دست نیست بلکه به صورت سیال در گردش می‌باشد. 2. قدرت از آن کسانی است که دانش دارند و این مسئله منوط به طبقه اجتماعی اشخاص و موقعیت اقتصادی آنها نمی‌باشد. 3. مقاومت، بخش لاینفک این معادله است و سکوت نماد فیزیکی آن می‌باشد. چنانچه در شعر منتخب مشاهده می‌شود، تقابل بین قدرت و دانش گسستی نیست و کشاکش که حاکی از عملکرد چرخشی آن است، به شرایط بستگی دارد. مقاومت، رابطه پنهان قدرت و دانش را بر ملا می‌کند تا معادله تلاش برای بدست آوردن دست بالا بر هم بخورد.

مطالعه حاضر با توجه به نظریات فوکو و وایت تحلیلی از شعر "زمانی در رم" ارائه می‌دهد. جدال در روابط قدرت هرگز ترک نمی‌شود و کشمکش‌های به وجود آمده بیانگر این است که چگونه قدرت در نتیجه ی بکارگیری دانش در شرایط مختلف به چرخش در می‌آید. پژوهشگران برای نخستین بار با اتکا بر نظریات نو تاریخ‌نگاری به تجزیه و تحلیل شعر "زمانی در رم" پرداخته و اظهار میدارند که گردش قدرت، رابطه آن با دانش و سکوت که نشانه ای از مقاومت می‌باشد، در بندهای مختلف شعر قابل مشاهده است. محققین بر این باورند که نظریه قدرت/دانش و شعر "زمانی در رم" متمم یکدیگرند. در این تحقیق، از نظریات فوکو و وایت جهت بررسی شعر استفاده شده و اذعان میشود که شرایط زندگی، سطح فرهنگی، محیط پیرامون و جایگاه اجتماعی افراد در شکل‌گیری قدرت/دانش در بستر تاریخی نقش به‌سزایی دارد. اکنون می‌توان رویکردی جدید جهت تحلیل شعر "زمانی در رم" معرفی نمود که ارتباطات و دیدگاه‌های حاصل از قدرت/دانش را در بستری از علل و معلولهای مرتبط نشان می‌دهد. نظریه‌های منتقدانه و شعر ایونز، در این مقاله، بایبان واقعیتی از جانب یک جامعه‌شناس آشنا به گفتمان رایج اجتماعی، یک تاریخ‌نگار خبره و تبیین نظرات پیشنهادی آن دو در یک اثر منظوم، طرحی نوین در انداخته تا شعر مکمل نظریه قرار گیرد و آن را مثال شود. لذا در بستری نو، دیدگاهی جدید به قدرت و رابطه آن با دانش و بررسی علل و معلول‌های ناشی از چرخش دیالکتیکی قدرت هویدا شده و روایت موضوع از منظر متفاوت، امکان‌نگرشی متفاوت به مفاهیم آشنا را فراهم ساخته است.

## Convergence of Historiography and New Historicism, Reciprocity of History and Literature: Dialectical Circulation of Foucauldian Power/ Knowledge

### Surveyed in Mari Evans' "When in Rome"

#### Abstract

**Introduction:** Although there are propitious merits to poetry galore, few would suggest it as a means for the exemplification of critical theories. Due to the interdisciplinary nature of human sciences, there exists a reciprocal connection between findings in literature which will aid critiques to illustrate the veracity of their theories. Black poetry stands out as a favorable example of how the dialectics of power domination circulates within a society, not perpetually residing with the supremacy. The following paper elaborates on Foucault's well-known power/knowledge critical theory by focusing on co-textual influences and presents a discussion exemplified in Mari Evans' anthologized poem, "When in Rome".

**Background of the Study:** Regardless of Mari Evans' authenticity, inadequate attention has been paid to her work in the form of critical analysis. Considering all its merits, her poetry deserves to be noticed all the more since as a committed poet, Evans is true to the principles of Black Art which demands of its followers to support issues concerning the Black minority. In this regard, Evans' poetry outstands the works of her peers. Controversial instances, which have often been challenged in the crucible of critical thought, may need to be exemplified for the sake of elucidation. Hayden White's insistence that events be narrated according to the survey of causes and effects and Foucault's theory of power/knowledge circulation serve as the critical backbone of the present study. This paper aims to illustrate how Mari Evans' selected poem, as a complement to Foucault's theory and White's approach to the study of history, tends to display that the circulation of power within a given society is not transferred hierarchically but rather promulgates dialectically, as defined by historiography, from one agent to another based on an imbalance in knowledge possession. Historically, it has always been assumed that the white supremacy has domination over the black minority, given that it has full grasp of knowledge, and this is exactly the presumption that is challenged in Foucault's theory. "When in Rome" provides adequate ground in support of the theory and exhibits how common thought about domination of power and the elements which contribute to the existing functional contradictions within social relationships can be challenged. Furthermore, the poem provides sound context to question the historically presumption of alleged superiority for the White.

**Methodology:** Foucault emphasizes on several points when he presented his power/knowledge theory. First, he stipulates that power and knowledge are integral parts of man's existence and accentuates their interrelationship. Second, he defines certain characteristics for power, namely that it is not transmitted in a structure of levelized arrangement but circulates uninhibitedly

among agents and last, that power cannot exist without resistance. White emphasizes the requirement of seeking causes and effects behind the occurrence of events, particularly to explain existing conflicts. The poem and the theories complement each other by presenting a clear and comprehensible illustration of critical-literary notions.

**Conclusion:** The application of Foucault's theory to Evans' poem, "When in Rome", and investigating the causes and effects which initiate the circulation, demonstrate the qualities attributed to power, knowledge and their interrelated connection. As observed in the poem, a member of the working class is caught in the dialectical circulation of power by her employer who represents supremacy. Through knowledge and by exerting resistance, the dominated individual orients power in her own direction and avoids imposition. The poem is a revealing piece of literary work exemplifying the highlights of historical-literary reciprocity to perfection.

**Keywords:** Hayden White, Knowledge/ Power, Mari Evans, Michel Foucault, Resistance.

# Pre-print Version

## References

Bonner, Marita O. and Joyce Flynn. Joyce OccomyStricklin (ed.). "On Being Young\_ A Woman\_ and Colored" *Frye Street and Environs: The Collected Works of Bonner*. Boston: Beacon, 1987.

Collins, Patricia Hill. *Black Feminist Thought: Knowledge, Consciousness and the Politics of Empowerment*, 2<sup>nd</sup> ed. New York: Routledge, 2000.

Dorsey, David. Mari Evans (ed.). "The Art of Mari Evans" in *Black Women Writers (1950-1980): A Critical Evaluation*. Anchor Press, 1984, pp. 170-189.

Douglas, Robert L. *Resistance, Insurgence and Identity: The Art of Mari Evans, Nelson Stevens and the Black Arts Movement*. Eritera: African World Press, 2008.

Evans, Mari (ed.). *Black Women Writers (1950-1980): A Critical Evaluation*. New York: Anchor Press, 1984.

Foucault, Michel. *The History of Sexuality, Vol. II: The Use of Pleasure*, trans. Robert Hurley, Harmondsworth: Penguin, 1978.

.---*Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings 1972-1977*. Colin Gordon (ed.). New York: Pantheon, 1980.

....*The History of Sexuality, Vol. III: The Care of the Self*, trans. Robert Hurley, London: Penguin, 1984.

Henderson, Stephen. *Understanding the New Black Poetry*. New York: William Morrow & Company Inc. 1973.

---. "Two Views – Male and Female – of Mari Evans' *I Am a Black Woman*". *Black World*, July, 1971, p.51.

Krisna, Sylvania and Soelistyo, Liliek. "Black Power in Maya Angelou's "Still I Rise", "Phenomenal Woman" and "Weekend Glory"". *Semantic Scholar*, 2013. DOI: 109744/KATAKITA. 1.1 % P

Mambrol, Nasrullah. "Foucault's Concept of Power". *Literary Theory and Criticism*. <https://literariness.org/2016/04/05/foucaults-concept-of-power>.

Matthews, Kristin L. (2011) "Neither Inside Nor Outside: Mari Evans, the Black Aesthetics and the Canon". *CEA Critic*, Vol.73, No.2, pp.34-54. <https://www.jstor.org/stable/44378442>

Mills, Sara. *Michel Foucault*. London: Routledge, 2003.

Rollins, Judith. "Between Women, Domestic and Their Employers". Philadelphia: Temple University Press, 1985.

Scheyer, Lauri. "Current Criticism on African American Poetry". Routledge Publications, spring 2015.

Shabrang, Hoda and Bahareh Tajik. "Facilitating the Process of Integration to Host Culture for Female Immigrants through Hybridized Identities in Mohsin Hamid's *Exit West*". *Critical Language and Literary Studies*, Vol. 20, No. 31, 2024, pp.13-32.  
<https://doi.org/10.48308/clls.2023.103777>

Sharma, Sandeep Kumar. "Michel Foucault's Concept of Power/Knowledge Discourse: A Critical Analysis". *Epitome: International Journal of Multidisciplinary Research*. Vol.4, Issue 1, January 2018.

Vali, Shahram and Kian Soheil. "The Interdependence of Power and Metaphor: A Foucauldian-Derridian Approach". *Critical Language and Literary Studies*. Vol. 3, No.5 Winter 2011. pp.109-127

Young, Kevin (ed.) *Lift Every Voice: Why African American Poetry Matters*. New York: Literary Classics of the United States, 2020.